

غلط یا مرجوح	درست یا ارجح و اصلاح پیشنهادی	توضیح
آنرا، اینرا	آن را، این را	
آنها رفتن و با چشم خود دیدن	آنها رفتند و با چشم خود دیدند	خلط سومین شخص جمع با مصدر
آنها غذا را خوردن	آنها غذا را خوردند	خلط سوم شخص جمع با مصدر
ابن سینا فیلسوف به نام ایران است	ابن سینا فیلسوف <u>بنام</u> ایران است	«بنام» در این جمله، صفت شده است و «ب» پیشوند است.
اکثراً	بیشتر آنها	«اکثر» در عربی تنوین نمی گیرد، چه رسد به فارسی.
اگر رفتار کودکان را می بینم	اگر رفتار کودکان را ببینم،	
امثال ذالک	مانند آن	
امور محوله، گزارشات واصله	کارهای واگذار شده، گزارش های رسیده	تطابق تذکیر و تأنیث در زبان عربی است، نه فارسی
امورات، عیوبها، مشاغلها، کتبها	امور، عیوب، مشاغل، کتب	جمع را دوباره جمع ننبدیم
اموریست	اموری است	
امیدوارم ترسم را از نویسندگی از دست بدهم	امیدوارم از ترس نویسندگی رهایی یابم	«از دست دادن» برای چیزهای خوبی که دوست نداریم از ما جدا شود، استفاده می شود.
انشاء الله	ان شاء الله	این نکته را انشاء الله رعایت کنید!
اوطاق	اتاق	
ایام های انقلاب	ایام	جمع را دو باره جمع ننبدیم
این جا، آن جا، این که، آن که، آن چه	اینجا، آنجا، آنکه، اینکه، آنچه	طبق فرهنگستان
اینجانب	این جانب	
باریتعالی	باری تعالی	
باید گفت که	-	زاید است و چیزی نباید گفت!
بایستی بشود	باید بشود	
بدنیا، بطوریکه، بدست، بخاطر	به دنیا، به طوری که، به دست، به خاطر	

	بررسی می کنیم	بررسی و مورد بحث قرار می دهیم
مگر در مورد بیشتر، کمتر و بهتر	بزرگتر، خوبتر، کوچکتر	بزرگتر، خوبتر، کوچکتر
	به صورت، به علاوه، به وجود آمدن	بصورت، بعلاوه، بوجود آمدن
	به عنوان، به طور	بعنوان، بطور
	بالاخره	بالاخره
بنام به معنی «برجسته و مهم» استثناست	به نام خدا	بنام خدا
	به وجود آمد	بوجود آمد
	کاغذ بازی یا ...	بوروکراسی
	به علت/ به سبب تبدیلی قلمم هنوز خوب نشد	به خاطر تبدیلی قلمم هنوز خوب نشد
	به گونه ای که	به طوری که
رسم الخط عربی برای عربی	بعینه	به عینه
	به نحو احسن	به نحو احسنت
بحران قلم!	بحران	بهران
	به همراه	بهمراه
	بیانگر	بیان گر
	پدرم <u>مرا</u> به مسجد برد	پدرم <u>من</u> را به مسجد برد
فعل مرکب	پی بردن	پی بردن
گذار به معنای گذاشتن؛ (وَضَعَ)	تأثیر گذار	تأثیر گزار
	فناوری	تکنولوژی
	تلاشگر	تلاش گر
	برای دفاع از دین	جهت دفاع از دین
	برای مطالعه چند کتاب خریدم	جهت مطالعه چند کتاب خریدم
چنانچه یعنی اگر [لطفا چنانچه را با چنان که خلط نکنید!]	چنان که حضرت علی فرمود	چنانچه حضرت علی فرمود
	چند کتاب	چند کتابها

	به خاطر ضرورت، براساس نیاز	حسب ضرورت
	خستگی	خسته گی
	خواهران محترم	خواهران محترمه
	در حالی که	در حالیکه
	در باره، در زمینه، در مورد	در خصوص
In relation to	در باره	در رابطه با
اطراف بدل ویرگول بگذاریم	دوستم، حسین، آمد.	دوستم حسین آمد.
«باید» برای آینده و «بایستی» برای گذشته	دیروز بایستی توجه می کردم	دیروز بایستی توجه کنم
	دینداری	دین داری
	در باره، در مورد، در زمینه	راجع به
	راهکارها	راه کارها
	رشته الهیات مرا اقناع نکرد. از این رو، به حوزه آمدم.	رشته الهیات مرا اغنا نکرد. از این رو، به حوزه آمدم.
	رو به رو، لا به لای	روبرو، لابلای
	رویگرد	روی کرد
	زندگی ام، علمی ام، دایی ام، دبیر عربی اش	زندگیم، علمیم، داییم
	۱۴۲۵ق.	سال ۱۴۲۵قمری
	دیگران	سایرین
سقوط قلم!	صعود	سعود به قلّه
	سامانه، نظام، دستگاه	سیستم
	جهاد را تشکیل دادند	شروع کردن به تشکیل جهاد
	نوبت	شیفت
	با وجود / بر خلاف	علیرغم
	عمدتاً	عمدهً
به علت عدم آشنایی با علم صرف عربی	فراغت از جنگ	فراقت از جنگ

فرزندان منصوب به او	فرزندان منسوب به او	
فعالیت زیاد است	فعالیت زیاد است	
فلانی با قرآن اجین است	فلانی با قرآن عجین است	
قابل توضیح است که جامعه	جامعه	بقیه زاید است
قالب مردم خطا می کنند	غالب مردم خطا می کنند	به علت عدم آشنایی با عربی
قلم داد کرد	قلمداد کرد	
قم خواستگاه انقلاب است	قم خاستگاه انقلاب است	خاستگاه: محل پیدایش
کتاب او از کثیفی برخوردار است	کتاب او کثیف است	برخوردار بودن را در امور خوب که دوست داریم چنین باشند استفاده کنیم. مانند او از علم برخوردار است.
کسانیکه	کسانی که	
کار او به جاست	کار او بجاست	«بجا» در اینجا صفت است و «ب» پیشوند است.
گاهاً	گاهی، برخی وقتها	
گنجشگ	گنجشک	
گواهینامه، اینجانب	گواهی نامه، این جانب	
لذا	بنابراین/ از این رو/ به همین جهت/ پس	
لشگر	لشکر	
مثمر ثمر، مفید فایده	باثمر، مفید	
مجبور به شدم	مجبور شدم که	بین مسند و فعل ربطی، فاصله نیندازید.
مخصوصاً	به ویژه	
مدارس انتفائی	مدارس انتفاعی	از ماده نفع
مدخل ورودی	ورودی	حشو زاید است.
مرا آورد به شهر یزد	مرا به شهر یزد آورد	
مراسمات	مراسم	جمع را دو باره جمع نیندیم
مسؤولان، مسأله، شؤون	مسئولان، مسئله، شئون	طبق فرهنگستان علیه السلام!

معاونین، مسئولین	معاونان، مسئولان	
معلم‌اش	معلمش	
من را	مرا	
منجمله	من جمله، به ویژه، از جمله	
منسوب به خانواده	منسوب به خانواده	! عدم آشنایی با عربی
مورد اجرا قرار گرفت	اجرا شد	
مورد تأکید قرار دادند	تأکید کردند	
می‌باشد	است	این یکی از غلط‌های رایج می‌باشد!
میتوان	می‌توان	
نقد به جا، کار به موقع، کار به سزا	نقد بجا، کار بموقع، کار بسزا	«ب» پیشنهاد است.
نمی‌باشد	نیست	
ورود به مدرسه پیدا کردم	به مدرسه رفتم	اگر این جور بنویسی، خروج پیدا می‌کنی!
وضعیت درسیش، دبیر عربیش	وضعیت درسی‌اش، دبیر عربی‌اش	
همچنان	هم‌چنان	
هنگامیکه	هنگامی که	
هیچکدام، هیچیک، هیچوقت، هیچگاه، هیچگونه	هیچ کدام، هیچ یک، هیچ وقت، هیچ گاه، هیچ گونه	
یک سری	چند، یک دسته، یک سلسله یا ...	فرانسوی است برادر یا خواهر من!
کمپوت	خوشاب	
معلوم و آشکار است که	معلوم / آشکار است که	
رفته رفته	به تدریج	
نقل مکان کردیم	هجرت / کوچ کشی کردیم	
اتوپیا	آرمان‌شهر، مدینه فاضله، ناکجاآباد	
معین معین کرد که بنا باید بنا کند.	معین معین کرد که بنا باید بنا کند	ضرورت تشدید در برخی موارد
نظرات خود را بیان کنید	نظرها یا دیدگاهها...	نظر با الف و تا جمع بسته نمی‌شود

او لازم می‌داند که ...	او لازم می‌داند	«که» زاید است
دستیابی به کتابخانه	دستیابی به کتابخانه	
مومن، مولفه، تأیید، تأکید، تأثیر	مؤمن، مؤلفه، تأیید، تأکید، تأثیر	
من خدا را دوست دارم .	من خدا را دوست دارم.	قبل از نقطه، فاصله نباشد.
من ، حسین و حسن خدا را دوست داریم.	من، حسین و حسن خدا را دوست داریم.	قبل از ویرگول فاصله نباشد.
کلمه بر سه قسم است :	کلمه بر سه قسم است:	قبل از دو نقطه فاصله نباشد.
او آمد. و من رفتم.	او آمد و من رفتم.	بعد از نقطه، اصلاً واو نمی‌آید.
او (معلم) « الگو » است.	او (معلم) «الگو» است.	درون پرانتز و گیومه فاصله نداریم.

تهیه کننده: حسن اسلام پور کریمی

Eslampur88@gmail.com

آذر